

## مطالعه تطبیقی آثار قرارداد دلالی در حقوق ایران و فرانسه

افشین مجاهد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی میبد- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی یزد و دانشگاه دارالعلم- وکیل دادگستری

### چکیده

قراردادهای تجارتي، به قراردادهایی گفته می شود که بین تجار و شرکت های تجارتي در امور مختلف بازرگانی منعقد می شود. امروزه از میان واسطه ها، دلالان نقش به سزایی در انجام قراردادها و معاملات تجارتي دارند. دلالی در عین اینکه فعالیتی ذاتاً تجاری است، لیکن ماهیت آن قراردادی تجاری می باشد که بر اساس آن، تعهد اصلی دلال در قرارداد، انجام موضوع دلالی یعنی پیدا کردن طرف معامله برای آمر می باشد، همچنین متعهد است قرارداد را با حسن نیت انجام داده و اطلاعات لازم را در اختیار طرفین قرار دهد. آمر نیز در مقابل، متعهد به پرداخت اجرت و هزینه متعارف دلالی بوده و باید در انجام تعهدات دلال با او همکاری نماید. در حقوق فرانسه نیز دلالی در زمره قراردادهای تجارتي آمده است. برای تشکیل قرارداد دلالی وجود شرایط عمومی صحت معاملات ضروری بوده و به علاوه اینکه دلال باید دارای شرایط اختصاصی لازم برای اشتغال به شغل دلالی باشد. اهمیت شغل دلالی از آن جهت است که دلال با در اختیار داشتن اطلاعات تخصصی و همچنین شناختن فروشندگان و خریداران موجب تسهیل معاملات شده و از این طریق کمک ارزنده ای در امر تجارت محسوب می شود. با توجه به اینکه امروزه قراردادهای دلالی به طور گسترده در جامعه منعقد می گردد، لذا مطالعه آثار قرارداد دلالی اهمیت خاص دارد که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

**واژه های کلیدی:** دلال، آمر، قرارداد، معاملات، تجارت

## مقدمه

امروزه بیشتر مردم با نهاد دلالتی آشنایی دارند و اغلب آن را به عنوان یک حرفه تجاری و فرد دلال را به عنوان تاجر نمی‌شناسند، در حالی که دلالتی در مباحث تجاری تعریف شده و دلال به عنوان تاجر به حساب می‌آید. همچنین دلالتی به معنای وساطت در انجام معاملات، از جمله مشاغلی است که توسعه شهرها و افزایش جمعیت ضرورت پیدایش آن را ایجاد کرده است. اهمیت این شغل در جوامع صنعتی و شهری روز به روز در حال گسترش بوده است به طوری که متصدیان آن به تدریج تشکیلات پیچیده و وسیعی را برای ارائه خدمت به مراجعین خود تدارک دیده و حتی در قالب شرکت‌ها و آژانس‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند. علاوه بر این تاجر محترم نیز در تداوم عملیات تجاری خود و در جهت ممانعت از فوت وقت و تسریع در اقدامات خود بعضی از امور تجاری خود را با مساعدت شخصی به نام دلال انجام می‌دهند. اشراف به آثار قراردادهای دلالتی و نیز حیطه اقدامات او می‌تواند باعث جلوگیری از اختلافات بعدی مابین تاجر و شخص دلال گردد. نقش دلال در معاملات در واقع انجام مذاکرات ابتدایی و فراهم کردن زمینه مناسب برای توافق نهایی طرفین به نیابت از آنهاست. بنابراین متعاملین با مراجعه به متصدی دلالتی در واقع برای مذاکرات ابتدایی انجام معامله به وی تفویض وکالت می‌کنند تا بدین ترتیب از یک سو از اطلاعات متصدیان این حرفه در زمینه قیمت‌ها و پیدا کردن طرف معامله مناسب بهره‌مند گردند. ضمناً از تخصص‌های حرفه‌ای آنان در قبول نمودن شرایط موردنظر خود به طرف مقابل متنفع گردند و از صرف وقت زیاد نیز در انجام مذاکرات ابتدایی اجتناب کرده باشند. به عبارت دیگر در این تعبیر، دلال حسب مورد، وکیل خریدار و فروشنده در انجام مذاکرات مقدماتی معامله تلقی می‌گردد که اختیارات وکالتی او در این حد محدود شده است. به دلیل ارجحیت این تعبیر از ماهیت حقوقی دلالتی، سیستم‌های مختلف حقوقی رابطه بین دلال و شخص آمر را تابع مقررات مربوط به عقد وکالت دانسته‌اند. قانون تجارت ایران نیز که مقتبس از قانون تجارت فرانسه می‌باشد، به تبعیت از قانون فوق در ماده ۳۳۵، صریحاً قرارداد دلالتی را تابع مقررات راجع به وکالت تلقی کرده است. با توجه به تنوع رشته‌های مختلف دلالتی و گستردگی هر کدام از رشته‌ها نیاز به تخصصی شدن رشته‌های دلالتی کاملاً محسوس است. بنابراین دلالتان باید در رابطه با نوع فعالیت خود اطلاعات لازم و کافی را داشته باشند که این امر جز با تخصصی شدن شاخه‌های گوناگون دلالتی امکانپذیر نیست. همچنین باید مشخص شود که دلالتی در کدام زمینه‌ها مؤثرتر و مفیدتر است، در نتیجه به دلالتی در آن شاخه‌ها توجه بیشتری شود و مورد حمایت قرار گیرد و همچنین از سوی دیگر معلوم شود که دلالتی در کدام موارد موجب اضرار و ایجاد آشفتگی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی می‌شود که در صورت امکان، اصلاح و در غیر اینصورت آن شاخه خاص به طور کلی برچیده شود.

## ۱- تعریف دلالتی و تاریخچه آن در حقوق ایران و فرانسه

دلالی فعالیتی تجارتي از نوع واسطه‌ای با سابقه دیرین شناخته شده است. این فعالیت هم از جنبه تئوری و هم از جنبه عملی در حقوق تجارت جایگاه ویژه و مناسبی دارد. این نهاد همانند دیگر تأسیسات حقوق تجارت برگرفته از حقوق غرب می‌باشد. برای شناخت و درک درست از آن باید به منشاء آن رجوع نمود و این بدان معنی است که باید ضرورتاً تأسیس مزبور را با نگاهی به سیر و روند تکاملی و تحولات مرتبط با آن خصوصاً کشور فرانسه مطالعه نمود. دلالتی از دلالت به معنی راهنمایی و ارتباط بین دو امر است مشتق گردیده و اصطلاحاً عبارتست از کسی که طرفین معامله را به یکدیگر نزدیک و معرفی نموده، شرایط و خصوصیات معامله را برای طرفین تشریح نموده و سعی می‌کند با تطبیق منافع طرفین، معامله را برقرار نماید و بعضی اوقات در تنظیم سند معامله نیز همکاری می‌نماید. (گرگانی فیروزجانی، ۱۳۸۱، ۱۱) دلالتی به موجب بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت یک حرفه تجاری تلقی شده، به همین جهت دلال تاجر محسوب شده و باید از مقررات مربوط به تاجران پیروی نماید. ماده ۳۳۵ ق.ت در تعریف دلالتی مقرر می‌دارد: دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید، طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است. برخی از حقوقدانان معتقدند عمل دلال، نمایندگی در مجرد عمل مادی است نه عمل قانونی که چنانچه تلاش وی منجر به انعقاد عقد گردد مستحق اجرت می‌گردد. (سماواتی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۱۰۵) در ماده ۳۳۸ قانون تجارت مقرر شده: دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله، قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آن‌ها را به موقع اجرا گذارد، مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوص داشته باشد. در صورتی که اراده دلال معیوب شود و او دچار اشتباه یا اکراه شود، معامله منعقد بین اصیل و شخص ثالث که به راهنمایی و وساطت دلال انجام شده است صحیح و معتبر خواهد بود، در حالیکه معیوب بودن اراده نماینده عمل حقوقی را باطل و یا غیر نافذ می‌سازد. بنابراین دلال کسی است که طرفین معامله را به یکدیگر نزدیک و معرفی نموده، شرایط و خصوصیات معامله را برای طرفین تشریح و سعی می‌کند با تطبیق منافع طرفین، معامله را جوش دهد و بعضی اوقات در تنظیم سند معامله نیز، همکاری می‌نماید. بر اساس مبانی فقهی می‌توان دلالتی را در چارچوب عقد جعاله یا اجاره توجیه نمود و با توجه به شباهت‌های آن با عقد وکالت مقررات عقد وکالت را در مورد آن اجرا نمود و به تعبیری آن را در حکم وکالت دانست. با توجه به ماده ۳۳۵ قانون تجارت، نقش دلالتی را می‌توان در حصول تراضی جهت انعقاد معامله میان اصیل و ثالث دانست که گاهی صرفاً طرفین معامله را با هم آشنا می‌نماید تا خود به مذاکره در مورد شرایط معامله و چگونگی آن بپردازند و گاهی نه تنها موجب آشنایی میان طرفین معامله می‌شود، بلکه مذاکرات اولیه و تعیین چارچوب کلی شرایط معامله را نیز انجام می‌دهد. با این وجود اراده انشایی دلال در تحقق عمل حقوقی با ثالث نقشی را ایفا نمی‌نماید؛ بلکه خود اصیل و ثالث به انعقاد معامله می‌پردازند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۰) در قانون تجارت فرانسه بخشی به صراف‌ی و دلالتی اختصاص داده

شده، در حالی که تعریفی از دلالتی ارائه نشده، لیکن در نوشته‌های حقوقی دلال، تاجری است که شغل او تلاش و کوشش برای رسیدن به توافقی منفعت‌آور برای طرفین، مشاوره جهت انعقاد معامله و مشارکت در تنظیم قرارداد در بر می‌گیرد. (Ripert, 1997, 699 & Roblot) تعریف فوق دو خصیصه اصلی را دارا می‌باشد: اول اینکه دلال تاجر محسوب می‌گردد. دوم اینکه شغل دلال، واسطه‌گری است. حقوقدانان و قضات فرانسوی، دلال را به عنوان کمک کننده امور تجاری تلقی کرده‌اند که به نزدیک شدن طرفین یا طرف‌های معامله و اعمال شناسایی بین آنان در جهت تسهیل روابطشان به منظور انعقاد قرارداد کمک می‌کند. (Duranton, 1999, 2) دلال به طور مستقیم در انعقاد قرارداد وارد نمی‌شود و او فقط رابطه و تماس را برقرار می‌کند و به اسم خودش واسطه معامله می‌شود. بدین جهت طرف عقد محسوب نمی‌شود و به طور کامل و مستقل بهره‌مند می‌شود. به محض انعقاد قرارداد، دلال مستحق اجرت می‌شود خواه عقد به دلائلی اجرا نگردد و این عدم اجرا مستند به دلال نباشد. بند ۷ ماده ۶۳۲ قانون تجارت فرانسه، همه‌گونه عملیات دلالتی را تجاری بر می‌شمارد و در ماده ۱ قانون مزبور، تاجر را کسی می‌داند که به فعالیت تجاری اشتغال داشته باشد و آن را شغل معمولی‌اش قرار دهد. از جمع ماده یک و بند ۷ ماده ۶۳۲ قانون تجارت فرانسه این نتیجه به دست می‌آید که دلال تاجری است که شغل معمولی‌اش را عملیات دلالتی قرار دهد و آنچه که در حقوق ایران راجع به دلال گفته شد دقیقاً با حقوق تجارت فرانسه منطبق است. از لحاظ تاریخی می‌توان گفت: در قرن ۱۹ میلادی که ملت‌های جهانگرد و سوداگر با در دست داشتن راه‌های ارتباطی دریایی و زمینی به توسعه بازرگانی در بازارهای دنیا برای انجام معاملات به وساطت و مساعدت افراد محلی و دلالان آشنا به اوضاع بازار کوشیدند. از این رو دلالتی پا به پای رشد و توسعه تجارت نفوذ و اهمیت پیدا کرد و در داخل کشورها کسانی برای سوداگران و بازرگانان خارجی مشتری پیدا و معرفی می‌کردند و حتی ضامن خریداران در انجام معامله بودند. (کاتبی، ۱۳۹۳، ۹۰) با تصویب قانون تجارت ۱۳۱۱ باب ششم این قانون از مواد ۳۳۵ تا ۳۵۶ به موضوع دلالتی اختصاص یافت و در ماده ۳۳۵ اصطلاح دلال تعریف شد. همچنین قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ در سیزده ماده، شرایط اشتغال به دلالتی و وظایف و مسئولیت‌ها و ترتیب تعیین حق‌الزحمه دلال را مشخص نمود. همچنین آیین‌نامه دلالان معاملات ملکی به استناد ماده ۱۲ قانون دلالان و ماده دوم تصویب‌نامه شماره ۵۸۵۱ در سال ۱۳۱۹ به تصویب وزارت دادگستری رسید و طی آن شرایط اشتغال به دلالتی معاملات ملکی و ترتیب رسیدگی به تخلفات دلالان معاملات ملکی و تعرفه حق‌الزحمه آنان معین شد. در حقوق فرانسه دلالتی از زمان خیلی قدیم وجود داشته، به طوری که توسعه جریانات و تحولات فعالیت‌های تجاری، گسترش دخالت واسطه‌گرها را به همراه داشت که وظیفه نزدیک نمودن بازرگانان و تسهیل امورات آن‌ها را از مکان‌های مختلف با ملیت‌های متفاوت، حمایت بازرگانان خارجی، تنظیم قراردادها و ترجمه آن‌ها را بر عهده داشتند. در ژوئن سال ۱۵۲۷ در بخشی از فرمان شارل چهارم آمده بود که شغل دلالتی باید در دفتر و مؤسسه‌ای انجام شود تا بهتر بشود نظارت نمود. رأی شورای دولتی در ۱۵ آوریل ۱۵۹۵ برخی از مقررات مشاغل دلالان صرافی

و بانکی را مشخص کرده بود. در سال ۱۶۸۱ در فرمان راجع به دریانوردی، دلالتی برای هدایت کشتی‌ها، ترجمه اسناد و مدارک و بیمه‌های دریایی تنظیم شده بود. در فرانسه دلال رسمی وجود داشت تا اینکه در ۱۸ ژوئیه ۱۸۶۶ به موجب قانونی آزادی دلالتی در رابطه با کالاها اعلام گردید و این آزادی به دلالان اجازه داده بود که مشاغل را یکجا با هم داشته باشند و دلالتی نیز برای همه انواع امور می‌تواند به کار برده شود. قانون تجارت فرانسه از سابق دلالتی را از صرافی متمایز کرده بود. قانون بعدی مصوبه‌ای است در ۲۹ آوریل ۱۹۶۴ که مقررات و اصلاحاتی را در قانون راجع به دلالتی کالاهای سوگند خورده وضع نموده که در سال ۱۹۹۴ اصلاحات مختصری در آن شده است.

## ۲- آثار قرارداد دلالتی در حقوق ایران

قرارداد دلالتی، معوض می‌باشد که از یکسو دلال متعهد می‌شود برای آمر طرف معامله پیدا نماید و از طرف دیگر آمر متعهد می‌شود اجرت و هزینه‌های دلالتی را پرداخت نماید. اصولاً هزینه‌های دلال بر عهده خود اوست و دلال فقط مستحق دریافت حق الزحمه دلالتی است، آن هم در صورتی که معاملات با وساطت او انجام گرفته باشد ولی گاهی اوقات ممکن است دلال برای انجام معامله مخارجی نیز کرده باشد در این صورت اگر عرف تجارتنی تجویز کند یا آمر اجازه داده باشد، مخارج صورت گرفته پرداخت خواهد شد و در غیر این صورت حق مطالبه مخارج را ندارد. (ماده ۳۵۱ قانون تجارت) گاهی اوقات امکان دارد دلال بر اثر عملکرد خود استحقاق به عمل آوردن مخارج و حتی اخذ اجرت را از دست بدهد و آن زمانی است که وی برخلاف وظیفه و عرف تجاری نسبت به امری عمل کرده باشد. ماده ۳۴۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: اگر دلال بر خلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا بر خلاف عرف تجاری محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول نماید مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود، به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد بود. به طور کلی، تعهدات دلال دارای ماهیت قراردادی می‌باشد و به نظر می‌رسد می‌توان ماهیت تعهدات دلال را تعهد به نتیجه اعلام نمود، زیرا به موجب ماده ۳۴۸ قانون تجارت، دلال نمی‌تواند اجرت دلالتی را مطالبه کند، مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد. دلال باید نهایت دقت و مهارت خود را در حفظ حقوق آمر به کار برد. دلالتی که حتی سهواً مرتکب قصور در انجام وظیفه خودش شده باشد. مانند موردی که بدون تحقیق کافی پیرامون قیمت بازار، آمر را تشویق به فروش کالای خود به قیمت کمتر از نرخ روز کند. گذشته از اینکه قرارداد دلالتی را نقض کرده، از باب مسئولیت مدنی نیز مسئول جبران خسارت وارده به آمر است. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۵۱) در این مورد هیچگونه تفاوتی بین دلالتی که بدون اجرت واسطه انجام معامله شده است و شخصی که حق دلالتی دریافت داشته، وجود ندارد، زیرا هرچند عنوان نقض قرارداد در مورد دلال بدون اجرت صدق نمی‌کند، لیکن چنین دلالتی طبق قانون مسئولیت مدنی، مسئول

جبران خسارت وارده به آمر خواهد بود. زیرا که دلالتی که بدون اجرت انجام کاری را قبول نموده در واقع متعهد شده است که این امر را انجام دهد. (جعفری، ۱۳۹۱، ۵۹) در انعقاد قرارداد دلالتی طرفین معامله باید دارای قصد، رضا و اهلیت به عنوان شرایط اساسی معامله باشند تا قرارداد به صورت صحیح منعقد گردد. قرارداد دلالتی، عقدی جایز است؛ یعنی طرفین قرارداد (آمر و دلال) می‌توانند آن را فسخ کنند. در صورت فسخ قرارداد دلال نسبت به عملی که انجام داده یا به ترتیبی که در قرارداد قید شده است، مستحق اجرت و مخارجی که هزینه کرده است، خواهد بود. دلال جز معرفی طرفین معامله به یکدیگر وظیفه‌ای ندارد و جز با اجازه مخصوص نمی‌تواند نمایندگی یکی از طرفین را عهده‌دار باشد یا آن که طرف معامله قرار گیرد و به همین ترتیب، جز در مواردی که از یکی از طرفین ضمانت کرده باشد، دلال هیچ گونه تعهدی نسبت به اجرای معامله و حسن انجام تعهدات طرفین ندارد. با انجام معامله عمل دلال خاتمه می‌یابد. دلال وقتی مستحق اجرت می‌شود که عمل دلالتی را انجام داده باشد؛ بنابراین دلال در صورتی می‌تواند حق دلالتی را مطالبه کند که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شود. در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خيارات قانونی فسخ شود، حق مطالبه دلالتی از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد. (آزادی، ۱۳۹۶، ۲۳) طبق ماده ۳۳۷ قانون تجارت، دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجع به معاملات مطلع سازد ولو اینکه دلالتی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد. دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد. حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد به مفهوم صداقت و درستکاری در حین اجرای تعهدات ناشی از قرارداد می‌باشد و به موجب ماده مزبور نیز دلال باید همین رفتار در حین اجرای قرارداد دلالتی داشته باشد. از آنجایی که طبق اصل مربوط به رعایت غبطه و صلاح آمر و نیز اصل مربوط به لزوم رعایت امانتداری، دلال باید تمام سعی خود را برای فراهم کردن موجبات انجام معامله مورد نظر آمر با بهترین شرایط و مناسب‌ترین قیمت مصروف دارد، بنابراین چنانچه خود شخصاً طرف معامله آمر قرار گرفته و معامله مورد نظر وی را با خود انجام دهد، این فرض متصور خواهد بود که وی به عنوان دلال نخواهد توانست غبطه و صلاح آمر را رعایت کند، به همین دلیل همان‌گونه که وکیل نیز بدون اجازه صریح موکل مجاز به انجام معامله با خود نمی‌باشد، دلال نیز نمی‌تواند حتی معامله‌ای را به نام شخص دیگر ولی به نفع خود با آمر انجام دهد. در یک حالت استثنایی که آمر برای معامله مورد نظر خود، قیمت خالص را به دلال عرضه کرده باشد و دلال معامله مزبور را با قیمت تعیین شده توسط آمر، به نفع خود و به نام هر شخص دیگری انجام دهد، این مورد مشمول اصل ممنوعیت معامله دلال با خود نخواهد بود. ضمانت اجرای تخلف دلال از اصل ممنوعیت معامله با خود و نیز اصل امانت در انجام معامله، خیار تدلیس آمر برای فسخ معامله و نیز مطالبه خسارت وارده از بابت مسئولیت مدنی و نقض قرارداد دلالتی است که آمر حسب مورد می‌تواند به یکی از دو طریق یاد شده خسارت خود را جبران کند. از لحاظ حق توکیل در قرارداد دلالتی باید گفت با دقت در طبیعت و ماهیت عمل معلوم می‌شود که دلالتی عملی

است کاملاً شخصی و دلال حق توکیل به غیر ندارد، مگر اینکه آمر خود این حق را به دلال اعطا نموده باشد. ماده ۳۴۵ قانون تجارت مقرر می‌دارد: هرگاه طرفین معامله یا یکی از آن‌ها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود، دلال ضامن معامله است. چنانچه دلال، ذی نفع بودن خود را در معامله‌ای، به طرف دیگر معامله اطلاع داده باشد، انجام چنین معامله‌ای توسط وی فاقد وصف جزایی بوده، لیکن طبق ماده ۳۴۷ قانون تجارت، در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد، با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهدات ناشی از معامله مزبور خواهد بود. قانونگذار یکسری شرایط قانونی برای اشتغال به این حرفه مقرر نموده که از آن جمله می‌توان به داشتن پروانه، داشتن مهارت و قابلیت علمی و داشتن دفاتر تجاری و ثبت معاملات در آن دفاتر را نام برد. همچنین یکسری تعهدات قانونی، مانند تعهد به صداقت و راستگویی، تعهد به محافظت و تعهد به ذی نفع نبودن نیز برای دلال وجود دارد که فقدان هر یک از این شرایط قانونی و نقض تعهدات مذکور، به واسطه قواعد مسئولیت مدنی در حقوق موضوعه و استناد به قاعده غرور در فقه امامیه، موجب مسئولیت مدنی دلال می‌باشد، مضافاً اینکه افعال زیانبار دلال از جمله تلف و عیب اشیاء و اسناد سپرده شده به او و کتمان حقیقت از اسباب مسئولیت مدنی دلال است.

### ۳- آثار قرارداد دلالی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، دلالی قراردادی تجاری است که تابع مقررات مربوط به قراردادهای تجاری می‌باشد و دلال تاجر است که شغل او نزدیک کردن اشخاصی است که تمایل به انعقاد معامله را دارند. یعنی دلال سعی می‌کند طرفین را از شرایط یکدیگر آگاه کند و منافع ایشان را با یکدیگر سازش دهد و توصیه‌هایی را در مورد انعقاد معامله ارائه بدهد. در حقوق فرانسه دلالی را به لحاظ طبیعت تجاری آن خواه در اعمال مدنی باشد و خواه در اعمال تجاری جزء عملیات تجاری می‌دانند و بین دلالی در اعمال مدنی و تجاری تفاوتی قائل نمی‌شوند. در حقوق انگلیس با وجود اینکه یکی از حقوقدانان در برخی عبارات خود مفهوم دقیق دلالی را صرفاً وظیفه مذاکره جهت انجام عمل حقوقی دانسته است، بیشتر حقوقدانان و قضات انگلیسی، دلال را مانند عامل، نماینده اصیل در انعقاد و انشای عمل حقوقی دانسته‌اند و بدون هیچگونه تردیدی دلالی را از مصادیق روشن نمایندگی تلقی کرده‌اند. دلیل این نگرش، رویکرد آنان در تعریف نمایندگی است. در حقوق انگلیس، نمایندگی، انجام عمل به وسیله نماینده در قلمرو اختیار به گونه‌ای است که موقعیت حقوقی اصیل را متأثر سازد و دلال که اصولاً به نام اصیل و به نمایندگی از او به انعقاد قرارداد می‌پردازد، به روشنی از مصادیق نمایندگی تلقی می‌شود. (Bowstead and Reynolds, 1996, 87) مطابق بند ۷ ماده ۶۳۲ قانون تجارت فرانسه، تمام عملیات دلالی، تجارتی محسوب می‌شود و فعالیت دلالی لازم نیست که تحت شکل تصدی‌گری با داشتن مؤسسه تحقق یابد. در حالیکه فعالیت‌های حق‌العمل کاری و امور حمل و نقل لزوماً باید تحت

شکل تصدی‌گری با داشتن مؤسسه و یا شرکت انجام شود. (Ripert & Roblot, 1997, 682) رویه قضایی فرانسه عملیات دلالی را ذاتاً تجارتي شناخته و اعمال دلالی باید تحت پوشش یک مؤسسه و یا یک شرکت تجارتي و حتی یک گروه منتفع اقتصادی انجام شود. به جهت اینکه عمل دلالی ذاتاً تجاری است، لذا نمی‌تواند توسط اشخاصی که به موجب قانون یا با توجه به شغل و حرفه‌شان ممنوع از انجام اعمال تجاری شده‌اند انجام شود همانند پزشک، مأموران رسمی و نیز دیگر اشخاصی که باید وظایف و اعمال شخصی را انحصاراً انجام بدهند مثل داروسازان. در کشور فرانسه اجرای فعالیت دلالی منحصر به اعمال تجاری نمی‌شود، بلکه اعمال واسطه‌ای را هم در بر می‌گیرد. از زمانی که دلال فعالانه در انجام اعمال مشارکت می‌جوید. مثلاً بیعی به حساب یکی از مشتریانش انجام می‌دهد، او به مثابه وکیل مزدبگیر محسوب شده و می‌تواند با امضایش تعهداتی نماید که در صورت عدم اجرای تعهدات، در مقابل موکلش مسئولیت داشته باشد. دلالی که وکالت دارد موظف است به موکلش به نحو درست و دقیق در ارتباط با اعمال انجام شده به نام او حساب پس دهد. وکالت ویژه‌ای که به دلال داده شده توسط یکی از طرفین یا هردوی آنها می‌تواند به تهیه و تدارک قراردادی که طرفین را به هم مرتبط می‌کند و یا اینکه به بررسی کیفیت و کمیت کالاهایی که در موضوع قرارداد وارد می‌شود. محدود گردد. بنابر تفویض و اعطاء وکالت مخصوص به دلال که ممکن است قراردادی باشد یا عرفی، او فعالیت واسطه‌ای خودش را بصورت مستقل انجام می‌دهد و این خصیصه استقلال فعالیت دلالی، او را از هرگونه تبعیت و وابستگی خارج می‌کند و در صورت فقدان استقلال، قضات از توصیف عنوان دلال جلوگیری نمی‌کنند. در حقوق فرانسه قرارداد دلالی با توافق دو اراده ایجاد می‌شود و توافق آن دو، شکل خاصی ندارد و می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی محقق شود و جز در مورد دلال عملیات بانکی، تنظیم سند ضروری نیست. قرارداد دلالی همانند سایر فعالیت‌های تجاری با هر دلیلی قابل اثبات بوده و ارائه دلیل نیز آزاد است. ماده ۱۰۹ قانون تجارت فرانسه مقرر می‌دارد در روابط بازرگانان، عملیات تجاری با تمام دلایل قابل اثبات است مگر اینکه قانون روش دیگری معین کرده باشد. بررسی تعهدات دلال در حقوق فرانسه قابل توجه است: دلال در ارتباط با اقداماتی که در انجام قراردادها و معاملات انجام می‌دهد، بدون اینکه خودش معامله نماید، تعهدی عمومی مبنی بر آگاه و مطلع نمودن دارد که به وسیله رویه قضایی دائماً تأیید و تصریح شده است. دلال باید هویت طرف دیگر قرارداد را تضمین نماید و همچنین هویت طرفین معامله را نیز باید تأیید کند. دلال در صورتی که رابطه شخصی را با طرف قراردادی که وجود خارجی ندارد برقرار کند، مسئولیت دارد. او نه تنها ضمانت وجود طرف قرارداد را بر عهده دارد، بلکه باید جدی بودن فرد اخیر را با همه امکانات و توانایی در اجرای معامله ضمانت نماید. او حتی ملزم گردیده اهلیت حقوقی طرف دیگری که وی قادر به انجام معامله معرفی نموده را تأیید نماید. (Pedamon, 1994, 593)

همچنین در صورتی که دلال، اطلاعات نادرست و ناقص در زمینه‌های فنی و تجاری تهیه کند و موجب به مخاطره افتادن انجام معامله گردد مسئول می‌باشد. عرف و عادات خاص برای برخی معاملات ویژه می‌تواند فعالیت و مسئولیت دلال را در انعقاد



قرارداد که موضوع وساطت او مطرح است، توسعه بدهد. اصل آزادی قراردادهای اجازه افزودن و توسعه دادن مسئولیت دلال را می‌دهد، به ویژه زمانی که او به عنوان وکیل یکی از طرفین و یا طرفین باشد. دلالی که به او اختیار انجام معامله به نام و به حساب یکی از طرفین اعطا شده است ملزم به رعایت احتیاط ویژه و توسعه همه جانبه جریان معاملاتی که او وساطت می‌کند است. (گرگانی فیروزجائی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) در مواردی حقوق ایران و فرانسه تفاوت‌هایی دارند از جمله: اول اینکه گفته شده دلال ضامن اعتبار طرفین معامله نیست جز در صورتی که طرفین یا یک از آن‌ها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نماید، او ضامن است. بنابراین در صورتی که دلال اعتبار اشخاص معامله کننده را متعهد شود، ضمانت دارد. لیکن در حقوق فرانسه بدون اینکه دلال تعهدی را بپذیرد، ضامن اعتبار اشخاص معامله کننده‌ای که او پیشنهاد کرده خواهد بود. رویه قضایی فرانسه در همین راستا حرکت کرده و تعهدات دلال را گسترش داده و با توجه به خصوصیت حرفه دلالان کاملاً قابل پذیرش است. ثانیاً دلال در معامله‌ای که انجام می‌شود سهیم باشد، او ملزم است به طرفی که در جریان نیست، این موضوع را اطلاعا دهد در غیر اینصورت مسئول جبران خسارت بوده و به جزای نقدی محکوم خواهد شد. در فرانسه علاوه بر دو ضمانت اجرای مزبور، در صورت وجود در لیست دلالان ثبت نام شده، از لیست مربوطه حذف می‌گردد که مورد اخیر در حقوق ایران مصداقی ندارد. در حقوق ایران مقرر شده در صورتی که دلال بر خلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام کند و یا بر خلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود و به مجازات مقرر برای خیانت در امانت نیز محکوم خواهد شد که ضمانت اجرای سنگینی است. در فرانسه چنین تصریحی وجود ندارد. با توجه به اینکه دلال امین طرفین معامله بوده و قانونگذار او را با حسن‌نیت فرض می‌کند باید در نهایت صداقت و صحت عمل کند، هرگاه خلاف وصف امانت از او سر زند معلوم می‌شود که او سوءنیت داشته است. در حقوق فرانسه دلالانی که بخواهند به فعالیت دلالی اشتغال ورزند تفکیک شده‌اند. یک دسته دلالان آزاد نامیده می‌شوند که اشخاص حقیقی یا حقوقی تاجری هستند که می‌توانند به فعالیت دلالی بپردازند و مانعیتی در ورود به شغل دلالی برای آن‌ها وجود ندارد جز شرایطی که برای اشخاص تاجر مقرر گردیده است. دسته دیگر دلالان انحصاری که انجام شغل دلالی در صلاحیت و انحصار آن‌هاست و شرایط ورود و پذیرش مخصوصی پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران چنین تفکیکی وجود ندارد، لیکن مقرر گردیده که برای اشتغال به هر نوع دلالی، دارا بودن پروانه دلالی الزامی است و درباره دلال رسمی بیمه تصریح شده که شغل او باید انحصاراً ارائه خدمات بیمه‌ای باشد و اینکه شخص حقوقی هم می‌تواند دلال رسمی بیمه باشد، در حالیکه در مورد دلال معاملات ملکی اینگونه نیست. بنابراین هم در حقوق فرانسه و هم در حقوق ایران، هر شخصی که شرایط تاجر بودن و شرایط مخصوص حرفه دلالی را یکجا باهم داشته باشد، می‌تواند به فعالیت دلالی بپردازد و در فرانسه فقط در مورد دلالان آزاد شرایط مخصوص رعایت نمی‌شود. (گرگانی فیروزجائی، ۱۳۸۱، ۱۶۴) برای مشاغل دلالان در حقوق فرانسه رژیم حقوقی ویژه‌ای

برقرار شده: اول اینکه شرایط ورود و پذیرش مختص هر یک از انواع دلالتان مشخص گردیده که به شرایط صلاحیت معروف هستند. دوم، فعالیت دلالتان سازماندهی شده هم از حیث اینکه فعالیت آن‌ها در صنف به خصوصی انجام می‌شود و اتحادیه‌های دلالتان به وجود آمده‌اند و هم اینکه نظارت اداری (سازمانی) بر عملکرد آنان در نظر گرفته شده است. سوم اینکه از امتیازات و انحصارات مربوط به حرفه‌شان در محدوده‌ای که مجاز باشند برخوردار هستند. چهارم به مثابه مأموران رسمی می‌باشند و اسناد و مدارکی که توسط آنان تنظیم می‌شود، در حکم اسناد رسمی است. پنجم، اصولاً به آنان اطلاق وکیل یا مأموران رسمی نمی‌شود. با این وجود آنان می‌توانند وکالت از جانب هریک از طرفین قرارداد داشته باشند. ششم، دلالتان اصولاً می‌توانند عنوان یا عناوین دیگری هم داشته باشند، یعنی در عین حال که دلال هستند، حق العمل کار و یا نماینده تجاری هم باشند جز در مواردی که خلاف آن مقرر گردد. هفتم، التزامات و تعهدات ویژه‌ای علاوه بر تعهدات عمومی برای دلالتان پیش‌بینی شده و در صورت عدم رعایت، مسئولیتی مضاعف بر آن‌ها تحمیل می‌شود که با توجه به تخصصی و حرفه‌ای بودن مشاغل دلالتان از یک طرف و امتیازات و اختیاراتی که به دلالتان اعطاء شده از طرف دیگر قابل قبول است.

### نتیجه گیری

دلالتی فعالیت ذاتاً تجاری و ماهیت آن قراردادی تجاری است و با توجه به تخصصی و حرفه‌ای بودن نیازمند افرادی است که صلاحیت ویژه‌ای داشته باشند. عنوان دلال معمولاً به کسانی تعلق می‌گیرد که واسطه انجام عملیات تجاری و معاملات بین بازرگانان می‌باشند، اما اگر دلال معامله‌ای برای اشخاص غیر تاجر انجام دهد با وجود آنکه معامله مزبور نسبت به طرفین، معامله تجاری محسوب نخواهد شد، لیکن عمل دلالتی تجاری محسوب می‌گردد زیرا فعالیت دلالتی ذاتاً تجاری است. در حقوق ایران، مشاغل دلالتانی که از حیث مقررات و نظامنامه، سازمان یافته باشند محدود بوده و جوابگوی شرایط فعلی جامعه امروزی نیست. از طرفی با توجه به تنوع انواع مختلف دلالتی و گستردگی هر کدام، نیاز به تخصصی شدن رشته‌های دلالتی نیز کاملاً محسوس است. به نظر می‌رسد قانونگذار باید با شناخت صحیح مبانی نظری و تئوری نهاد دلالتی و درک روشن جایگاه آن در مناسبات اقتصادی به وضع قوانین لازم بپردازد تا علاوه بر حمایت از مصرف کنندگان و مراجعه کنندگان به دلالتان، از حقوق آنان نیز حمایت شود و اجمالاً وظایف و حقوق دلالتان با عنایت به رشته‌های گوناگون مشخص شود.

## منابع

- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۰) حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۸)، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- آزادی، فاطمه (۱۳۹۶)، «مقایسه تطبیقی دلالی و حق‌العمل‌کاری از منظر حقوق تجارت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی صفادشت.
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۹۳)، حقوق تجارت، چ ۹، تهران: انتشارات گنج دانش.
- گرگانی فیروزجائی، صفر (۱۳۸۱)، «قرارداد دلالی در حقوق ایران و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری، اباذر (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی شرایط و آثار قرارداد دلالی با تأکید بر تحولات لایحه تجارت ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تبریز.
- Bowstead and Reynolds, The Law of Agency, 16th/ed: London, Sweet Maxwell, 1996.
- Ripert, Georges et Rene, Roblot, Traite de droit Commercial, t.2, 16 ed, 1997, Paris: L.G.D.J. Par Delebecque et Germain.
- Guy Duranton, Courtiers, Repertoire de droit Commercial, T2, Dalloz, 1999, n2.
- Michaeli pedamon, Droit commercial, 1994, Precis Dalloz, n620.